

دعای روز دوم

اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَنَقِمَاتِكَ وَوَقِّفْنِي فِيهِ لِقِرَاءَةِ آيَاتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

خدایا مرا در این روز به رضا و خشنودیت نزدیک ساز و از خشم و غضبت دور ساز و برای قرائت قرآنت موفق گردان به حق رحمت، ای مهربان‌ترین مهربانان عالم.

ترجمه منظوم دعا

یا اله الخلق رب الممکنات	یا بدیع المنشئات الحادثات
کن تو نزدیکم به خشنودی خود	تا شوم در این مه از اهل نجات
ای خدا خشنودیت در نزد من	هست بهتر از بهشت و محسنات
عارف کامل بداند این سخن	کاین صفت الحق بود خیر الصفات
دور کن یا رب در این ماه عزیز	ما و کل بندگان از مبغضات
از خطایا و معاصی باز دار	و از جمیع موبقات و مهلکات
هم موفق کن به روز و شب مدام	خواندن قرآن و آی شامخات
تا بیفزاید به نور قلب من	ذکر آیات و بیان بینات
صوت قرآن خوش ملیح و دلکش است	من فدای او ز اسماء و ادات
این دعا را کن الهی مستجاب	یا رحیماً بالنفوس الناقصات

فقره اول دعا

اللَّهُمَّ قَرِّبْنِي فِيهِ إِلَى مَرْضَاتِكَ:

خدایا مرا در این روز، به رضا و خشنودیت نزدیک ساز.

در دعای امروز از خداوند می‌خواهیم در ماه رمضان کاری کند تا به رضایت و خشنودی او نزدیک بشویم.

بهترین چیزها برای بنده، رضایت خداوند است؛ زیرا همین که خداوند از بنده‌ای راضی شد، جمیع خیرات دنیایی و آخرتی را به او عطا می‌فرماید.

چطور بفهمیم خدا از ما راضی است؟

شخصی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد: چگونه بفهمیم خداوند ما را دوست دارد و از کارهای ما راضی است؟

امام در پاسخ فرمود: به قلبت رجوع کن و ببین آیا دوستان خدا را در دل دوست داری یا خیر؟ اگر چنین محبتی را در خویش یافتی، بدان که پروردگار نیز، تو را دوست می‌دارد.^۱

بعضی‌ها از خدا راضی نیستند و به درگاه الهی گله می‌کنند خدایا چرا همه دارند و من ندارم؟! یا چرا همه سالم هستند و من مریضم؟! نباید این‌طور حالتی داشت؛ بلکه باید در هر حالتی که هستی، از خدا راضی باشی.

ملاک، رضایت خدا:

بکرین علی المصیصی، از جمله ابدال بود. سی سال بود که بیمار بود. اطرافیان به او گفتند: آیا می‌خواهی که از این بیماری بهبود یابی؟ گفت: نه.

گفتند: مگر دوست داری بمیری؟ گفت: نه.

پرسیدند: چطور؟

گفت: ممکن است آن چیزی که بین این دو حالت [سلامت و مرگ] می‌خواهم، خلاف آن چیزی باشد که خدای من برای من خواسته است و من نمی‌خواهم که خواسته من در خلاف خواسته خداوند باشد. من مملوک ایزدم، پروردگارم آنچه به صلاحم باشد، بهتر از من می‌داند.^۲

۱. اصول کافی؛ ج ۲، ص ۱۲۶، باب حُبِّ الله.

۲. روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، ص ۱۸۶.

خداوند از سه گروه تعجب می‌کند:

- در روایت آمده است که خدای تبارک و تعالی از سه گروه تعجب می‌کند:
۱. کسی که نماز می‌خواند و می‌داند مقابل چه خدایی ایستاده است؛ ولی در نماز حضور قلب ندارد. (ما حتی از نماز خواندنمان هم باید استغفار کنیم).
 ۲. کسی که عمری است از خدا روزی گرفته و غصه روزی فردا را دارد.
 ۳. کسی که می‌خندد، در حالی که نمی‌داند خدا از او راضی هست یا نه!
- کسی که می‌خواهد رضایت خداوند را به دست بیاورد، باید از نفس خود تبعیت نکند؛ زیرا اوامر نفس غالباً مخالف اوامر الهی است و هر کس که مخالف اوامر الهی عمل نمود، موجبات خشم و غضب خداوند را فراهم نموده است.

رضایت خدا و رضایت والدین

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«مَنْ أَرْضَى وَالِدَيْهِ فَقَدْ أَرْضَى خَالِقَهُ وَمَنْ أَسْخَطَ وَالِدَيْهِ فَقَدْ أَسْخَطَ اللَّهَ»^۱ هر کس که والدین خود را راضی نماید، خالق خود را نیز راضی کرده و هر کس والدین خود را ناراضی نماید، خدای خویش را ناراضی نموده است.

بی‌احترامی به مادر:

در بنی‌اسرائیل عابدی بود که او را جُریح می‌گفتند. او در صومعه خود عبادت می‌کرد. روزی مادرش، در وقتی که نماز می‌خواند به نزد او آمد و او را صدا زد. او جواب مادر را نگفت، بار دوم او را خواند و او جواب نداد. بار سوم مادر او را خواند؛ ولی جواب نشنید. مادر نفرینش کرد و گفت: از خدا می‌خواهم که تورا یاری نکند و تو را مفتضح کند. روزی زن زناکاری نزدیک صومعه او آمد و در آنجا وضع حمل نمود و گفت: این بچه از جُریح می‌باشد. مردم گفتند: آن کسی که مردم را به زنا ملامت می‌کرد،

۱. کنز العمال؛ ج ۱۶، ص ۴۷۰.

خود زنا کرده است؟ خبر به گوش پادشاه رسید. دستور داد او را دستگیر و به دار مجازات بیاویزند.

مادر جریح در حال که سیلی بر روی خود می‌زد، مقابل فرزندش آمد. جریح گفت: مادر ساکت باش و شیون نکن که من از نفرین تو، به این بلا مبتلا شده‌ام. مردم گفتند: ای جریح! از کجا بدانیم که راست می‌گویی و بی‌گناهی؟ گفت: طفل را بیاورید. چون آوردند، دعا کرد و از طفل پرسید: پدر تو کیست؟ آن طفل به قدرت الهی به سخن آمد و گفت: از فلان قبیله و فلان چوپان، پدر من است. جریح از مرگ نجات پیدا کرد و پس از آن سوگند خورد که هیچ‌گاه از مادر خود جدا نشود و او را خدمت کند.^۱

فقره دوم دعا

وَ جَنَّبَنِي فِيهِ مِنْ سَخَطِكَ وَ نَقِمَاتِكَ:

و از خشم و غضبت دور ساز

موجبات خشم و غضب خداوند

برای دور ماندن از خشم و غضب خداوند، باید مواردی را که موجب خشم خداوند می‌شود، بشناسیم.

حضرت علی عليه السلام در دعای کمیل عرضه می‌دارد:

«يا رَبِّ وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْتُهُ، يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلٍ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ»: خدایا تو ناتوانی مرا در برابر اندکی از بلای دنیا و گرفتاری‌هایش و آنچه در آن، از مکروهات بر اهل دنیا جریان دارد می‌دانی. با اینکه بلای دنیا بلای ناپسندی است که درنگ آن کم و ناچیز و دوام آن

۱. پندهای جاوید؛ ص ۲۴۷؛ یکصد موضوع، پانصد داستان؛ ص ۱۴۰.

اندک و زمانش کوتاه است. پس چگونه است تحمل و باور من در بلای
آخرت و بزرگی واقعیات مکروهه و آنکه بلایی است که مدت‌ش طولانی و
پایداریش همیشگی بوده!؟

به مولا علی نگاه کنیم:

به مولا علی عَلِيٍّ که نگاه می‌کنیم، می‌بینیم علی عَلِيٍّ با آن همه بزرگی از یاد آتش
جهنم بیهوش می‌شدند؛ پس قیامت چه روز بزرگی است که علی با آن عظمتش و با
آن علوتش می‌گوید: خدایا فردا چه کنم؟
ما تاب و تحمل غضب و انتقام‌های خداوند را نداریم. این بدن ضعیف کجا و
انتقام‌های خداوند کجا!
همان‌گونه که رحمت خداوند وسیع و بزرگ است، انتقام‌های او نیز بزرگ و
غضب او شدید است. اگر کسی مغضوب الهی واقع شد، وای بر احوال اوست.

فقره سوم دعا

وَوَفَّقْنِي فِيهِ لِقِرَاءَةِ آيَاتِكَ:

و برای قرائت قرآنت موفقم گردان

جایگاه قرآن

«لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»^۱ ای
رسول اگر ما این قرآن را بر کوه نازل می‌کردیم، مشاهده می‌کردی که کوه از
ترس خدا خاشع و ذلیل و متلاشی می‌گشت.

کسی که در ماه رمضان موفق به یک ختم قرآن نمی‌شود، بسیار ضرر می‌کند. ماه
رمضان، ماه قرآن است. اگر کسی می‌خواهد زنگار دلش پاک بشود، باید تلاوت قرآن
داشته باشد، به ویژه زمان سحر.

حق قرآن:

از آیات و روایات استفاده می‌شود که مسلمانان نسبت به کتاب الهی قرآن، دارای سه وظیفه مهم هستند:

۱. قرائت قرآن؛ ۲. فهم قرآن؛ ۳. عمل به قرآن.

خداوند می‌فرماید:

«الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۱ کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، آن را طوری که شایسته آن است با تدبر و به قصد عمل کردن می‌خوانند؛ آنانند که به آن ایمان می‌آورند و کسانی که به آن کفر می‌ورزند، آنانند که زیانکارند.

تلاوت‌کننده قرآن به چهار بهره فوق‌العاده خواهد رسید:

۱. عزت بی‌ذلت؛ ۲. غنای بی‌فقر؛ ۳. علم بی‌جهل؛ ۴. حیات بی‌موت.

خانه‌تکانی قلب:

در گذر زندگی، گرد و غبار آلودگی‌ها، گناهان، کینه‌ها، حسدها و سایر ناپاکی‌ها بر قلب انسان سایه می‌افکند و مانع عبور نور حقیقت از آئینه دل می‌گردد و آن‌گاه نیاز به یک خانه‌تکانی داریم.

در روایات به چند طریق برای خانه‌تکانی قلب اشاره شده است:

۱. تلاوت قرآن در سحر:^۲

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: همانا این دل‌ها زنگار می‌گیرد؛ همان‌طور که آهن زنگار می‌گیرد و همانا جلای دل‌ها به خواندن قرآن است.^۳

۲. استغفار

۳. دست بر سر یتیم کشیدن و کمک به ایتام داشتن.^۴

۱. بقره: ۱۲۱.

۲. ارشاد القلوب؛ ترجمه رضایی؛ ج ۱، ص ۱۹۱.

۳. همان.

۴. آیت‌الله مشکینی؛ نصابیح؛ ترجمه احمد جنتی؛ ص ۲۱۹؛

قرآن نور دارد:

حضرت آیت‌الله العظمی بهجت فرمودند: در زمان جوانی ما، مرد نابینایی بود که قرآن را باز می‌کرد و هر آیه‌ای را که می‌خواستند، نشان می‌داد و انگشت خود را کنار آیه مورد نظر قرار می‌داد. روزی خواستم با او شوخی کرده باشم؛ گفتم: فلان آیه کجاست؟ قرآن را باز کرد و انگشت خود را روی آیه گذاشت. گفتم: نه این‌طور نیست، اینجا آیه دیگری است. به من گفت: مگر کوری و نمی‌بینی؟!^۱

شکایت قرآن در قیامت:

از حضرت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده است:

«يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ: الْمُصْحَفُ وَالْمَسْجِدُ وَالْعِتْرَةَ. يَقُولُ الْمُصْحَفُ: يَا رَبِّ حَرَّقُونِي وَمَزَّقُونِي وَيَقُولُ الْمَسْجِدُ: يَا رَبِّ عَطَّلُونِي وَضَيَعُونِي وَتَقُولُ الْعِتْرَةُ يَا رَبِّ قَتَلُونَا وَطَرَدُونَا وَشَرَدُونَا فَأَجْثُو لِلرُّكْبَتَيْنِ فِي الْخُصُومَةِ، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِي: أَنَا أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنْكَ»^۲ در روز قیامت سه گروه شکایت به پیشگاه خداوند متعال می‌آورند: قرآن و مسجد و عترت. قرآن می‌گوید: ای پروردگار من! مرا سوزاندند و پاره‌پاره کردند. مسجد می‌گوید: ای پروردگار من مرا معطل و بدون عمل گذاردند و حق مرا ضایع کردند. عترت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌گوید: بار پروردگارا! ما را کشتند و دور کردند و متفرق نموده و فراری دادند و در مقابل پروردگار، در دعوی خصومت و دادخواهی به دو زانوی خود می‌نشینیم؛ پس خداوند عزوجل به من می‌گوید: من خودم اولویت دارم از شما، درباره خصومت و دادخواهی نسبت به آنان.

فقره چهارم دعا

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

به حق رحمتت، ای مهربان‌ترین مهربانان عالم.

۱. به نقل از حضرت آیت‌الله مجتهدی تهرانی.

۲. وسائل الشیعه؛ ج ۱، ص ۳۰.

چگونگی جلب نظر خداوند

در روایتی آمده است: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِرَجُلٍ يَقُولُ:

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. فَقَالَ لَهُ سَلْ فَقَدْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْكَ.^۱

پیامبر به مردی برخورد کردند که می‌گفت: یا ارحم الراحمین. حضرت به او فرمودند: دیگر بس است، تقاضایت را بکن، خداوند نظرش را به تو انداخت. تو می‌خواستی نظر خدا را جلب کنی، با این یا ارحم الراحمین هایت نظرش جلب شد، حالا حاجتت را از او بخواه.

در روایت دیگری آمده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مَلَكًا مُوَكَّلًا بِمَنْ يَقُولُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، قَالَ لَهُ الْمَلَكُ إِنَّ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ قَدْ أَقْبَلَ عَلَيْكَ، فَاسْأَلْ»^۲ خداوند فرشته‌ای را موکل بر کسی کرده است که بگوید: یا ارحم الراحمین، وقتی که شخصی سه مرتبه این نام را ببرد، فرشته به او می‌گوید: ارحم الراحمین به تو رو آورد، پس از او بخواه.

دلیل خوشحالی خدا، مهربانی به بندگان:

حال این سؤال مطرح است که خوشحالی خدا برای کسی که به سراغ او می‌رود و می‌خواهد توبه کند، برای چیست؟ چرا خدا این‌قدر اصرار می‌کند که بیایید و توبه کنید! چرا تأکید شده در درخواست کردن‌ها، اول «یا ارحم الراحمین» بگویید؟ در روایات آمده است: مهربانی خداوند نسبت به بندگان، از مهربانی مادر به فرزندش بیشتر است. در ابتدا سراغ جریانی در ارتباط با یکی از انبیاء مرسل الهی که صاحب شریعت است می‌رویم و بعد مسئله را تطبیق می‌دهیم.

قارون مردی از قوم موسی عليه السلام و پسر عموی آن جناب بود و همواره در جستجوی علم بود تا آنکه علم بسیاری جمع‌آوری نمود. او ثروت زیادی هم داشت، به اندازه‌ای که چندین جوان نیرومند کلیدهای خزانه او را حمل می‌کردند.

۱. مستدرک الوسائل؛ ج ۵، ص ۲۱۹.

۲. کنز العمال؛ ج ۲، ص ۷۷.

موسی علیه السلام به او فرمود: خدای تعالی به من دستور داده که از بندگانش زکات بگیرم، تو هم باید زکات مالت را بدهی. قارون از اطاعت این دستور سرباز زد. او می‌گفت: من هم به تورات آگاهی دارم و کمتر از موسی نیستم؛ چرا زکات مالم را به او بپردازم؟ و به مردم گفت: موسی علیه السلام می‌خواهد مال مردم را بخورد، اول دم از نماز زد، شما اطاعتش کردید، دستورهایی دیگر داد، همه را اطاعت کردید، آیا باز او را اطاعت می‌کنید و اموالتان را به او می‌دهید؟ مردم گفتند: نه ما نمی‌خواهیم به این کار تن در دهیم؛ ولی چه چاره‌ای داریم؟ گفت: من نظرم این است که به سراغ یکی از زنان بدکاره بنی‌اسرائیل بفرستم. وقتی آمد او را تحریک کنیم و به سر وقت موسی بفرستیم که او را به زنا متهم کند. مردم این نظریه را پسندیدند. شخصی را نزد آن زن فرستادند و بدو گفتند:

اگر شهادت دهی که موسی با تو زنا کرده است، هر چه بخواهی به تو می‌دهیم، زن پذیرفت.

قارون نزد موسی علیه السلام آمد، و گفت: دستور بده بنی‌اسرائیل جمع شوند و آنان را به آنچه خدایت فرموده، آگاه کن. موسی علیه السلام قبول کرد و بنی‌اسرائیل را جمع کرد و به ایشان فرمود: شما را جمع کرده‌ام تا به اطلاع‌تان برسانم که پروردگارتان چه دستوراتی داده، بنی‌اسرائیل گفتند: چه دستور داده؟

فرمود: مرا دستور داده تا به شما بگویم تنها خدا را بپرستید و چیزی را شریک او نگیرید و صله رحم کنید و چه و چه کنید، تا آنکه فرمود: و اینکه اگر کسی زنا کرد، در صورتی که زن داشته باشد، سنگسارش کنید.

گفتند: هر چند که خودت باشی؟ فرمود: بله اگر خودم نیز زنا کنم، باید سنگسار شوم. گفتند: خوب تو زنا کرده‌ای و باید سنگسار شوی.

موسی علیه السلام با تعجب پرسید: من زنا کرده‌ام؟

اطرافیان قارون فرستادند نزد آن زن که بیا و شهادت بده. چون آمد، پرسیدند: درباره موسی علیه السلام چه شهادت می‌دهی؟ موسی علیه السلام از او پرسید: تو را به خدا سوگند! راست بگو. زن گفت: چون مرا به خدا سوگند می‌دهی (راستش را می‌گویم): این مردم مرا خواستند و مزدی برایم مقرر کردند تا در برابرش من تو را متهم به زنا با خود کنم و اکنون شهادت می‌دهم تو از این تهمت بری هستی و نیز شهادت می‌دهم

بر اینکه تو رسول خدایی! موسی با چشم گریان به سجده افتاد و به خدا گفت: خدایا! اگر من پیغمبر تو هستم، انتقام من را از قارون بگیر و من را بر او مسلط کن. خدا هم به حضرت موسی علیه السلام وحی کرد که من زمین را در اختیار تو قرار دادم که فرمان تو را ببرد. هر فرمانی به زمین بدهی، فرمانبردار تو است. تو هر کاری می‌خواهی انجام بده!

حضرت موسی علیه السلام به زمینی که قارون روی آن ایستاده بود، فرمان داد که او را ببلعد. یک مرتبه زمین باز شد و قارون تا زانوهایش در زمین فرو رفت. قارون به حضرت موسی علیه السلام رو کرد و گفت: مرا عفو کن و ببخش.

حضرت موسی علیه السلام او را نبخشید. حضرت برای بار دوم به زمین امر کرد و او تا کمرش در زمین فرو رفت. دوباره قارون به حضرت موسی علیه السلام رو کرد و گفت: مرا ببخش، من بد کردم. گفت: نمی‌بخشم.

بار سوم حضرت موسی علیه السلام امر کرد به زمین که او را ببلعد! قارون تا گردن در زمین فرو رفت. بار سوم به حضرت موسی علیه السلام گفت: من بد کردم؛ تو مرا عفو کن. حضرت او را نبخشید و برای بار چهارم به زمین امر کرد و قارون از بین رفت.

حالا دقت کنیم ببینیم خداوند به موسی چه فرمود: به موسی وحی آمد، یا موسی! می‌دانی چرا او را نبخشیدی؟ چون تو خالق او نبودی. چند بار از تو طلب عفو کرد و تو او را نبخشیدی! اگر یک دفعه به من گفته بود و به من رو کرده بود، من او را می‌بخشیدم.^۱

مهر مادری، نمی‌از دریای مهر خداوندی است
حالا سرش را می‌خواهم بگویم: مهر و محبت مخلوق و معلول، به وجود خالق و علت آمیخته است. اینکه در مورد مادر می‌بینید او به فرزندش دلبستگی شدید دارد و هیچ‌گاه حاضر نیست به بچه‌اش صدمه‌ای بخورد و در صورت لزوم حاضر است، جانش را هم فدای او کند، به همین دلیل است؛ یعنی مقداری رابطه علیت بین او و فرزندش وجود دارد؛ بنابراین نمی‌تواند سختی او را تحمل

۱. حکایت‌های شنیدنی؛ ج ۵، ص ۱۲۲؛ بحار الانوار؛ ج ۱۳، ص ۲۵۳.

کند. البته فرزندی که به طور طبیعی از مادر متولد شده باشد و مادر هم مشکل روانی نداشته باشد.

ما که از قارون بدتر نیستم!! خداوند به موسی می‌گوید: اگر او به من رو کرده بود، از او می‌گذشتم. بعد فهمیدم که چرا ائمه به ما گفته‌اند وقتی می‌خواهی سراغ خدا بروی و دعا کنی، اوّل این صفت را بگو:

«یا أرحم الراحمین؛ ای مهربانترین مهربانان!»

که کسی به مهر تو نمی‌رسد! تو که یک چنین مَهری به مخلوق داری.

آن رفتار کجا و مهر اهل بیت کجا؟